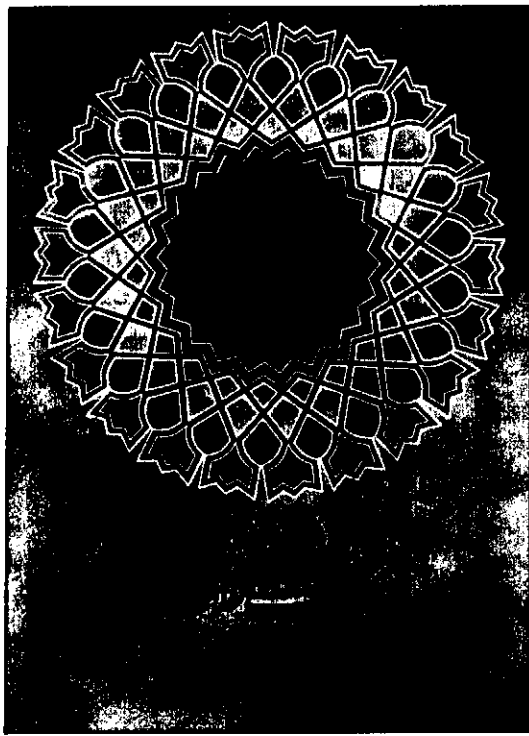


فلسفه وجودی نهادهای انقلاب اسلامی از دیدگاه امام

سخنرانی حجة الاسلام انصاری سرپرست مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی «ره» در کنگره بزرگ نهادهای انقلاب - بهمن ۱۳۶۸



کتاب، امام حکومت اسلام و قوای حکومت اسلامی و کسانی را که نقش اساسی در سرنوشت جامعه اسلامی دارند تقسیم بندی کرده، نتیجه گیری می کنند و می فرمایند که این وظیفه ما بوده و خود مردم و خود جامعه باید به دنبال تحقق این ایده ها و اهداف باشند. در پیام های بعدیشان هم که پیام های آخر عمر حضرت امام بود. فرمودند: فقه، فلسفه عملی حکومت اسلام است. وقتی امام معتقد هستند که فقه، فلسفه عملی حکومت است و در کتاب کشف الاسرار و ولایت فقیه و سایر پیام ها و سخنرانی ها، بر مبنای فقاہت تأکید می کنند که جنبه های علمی و اجرایی باید عملی و محقق بشود، پس راه دیگری برای امام نمی ماند، غیر از این که در پیروزی انقلاب بیایند، آن فقهی را که در گذشته، جنبه تئوری داشت و در مسایل به شکل علمی یا نظری با آنها برخورد می شد، به جنبه های عینی و عملی و اجرایی تبدیل کنند. در حقیقت، فقه همان جایگاه و فلسفه علمی خودش را در نظام حاکم پیدا کند و تشکیل نهادها، در حقیقت تبیین چهارچوب اجرایی فقه و فلسفه عملی حکومت اسلامی در همه زمینه ها بود.

● نهادهای انقلاب اسلامی چیست؟

نهادهای انقلاب اسلامی آنها بودند که در همین حوادث اولیه انقلاب، تصمیمات قاطع و

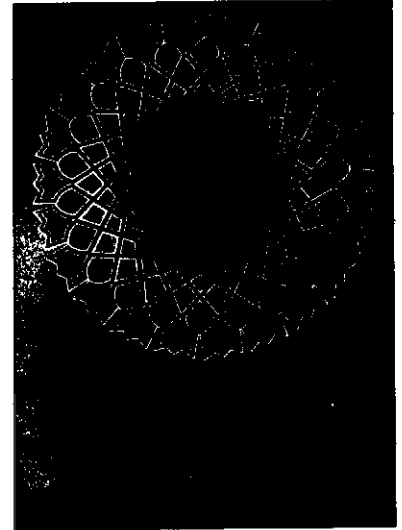
پایه گذاری کردند و تشکیل دادند؟ اولین مسأله و هدف امام، شکرگزاری از مردم بود. شکرگزاری یکی از اخلاق پسندیده و صفات نیکوی مردان الهی است: باید به نوعی از کسانی که دست اندر کار تهیه و تدارک مقدمات یک حکومت یا یک ارزش در جامعه هستند، تقدیر و ستایش بشود. همه می دانیم که تقدیر و شکرگزاری به این نیست که انسان در پیروزی انقلاب یا در ختم یک حرکت، یک اعلامیه تقدیر بدهد و از مردم و قشرهای جامعه سپاسگزاری کند و بعداً پشت سرش را هم نگاه نکند که چه حوادثی بر انقلاب گذشت و چه کسانی در صحنه های انقلاب سرمایه گذاری کردند. یکی از راه های عملی شکرگزاری همین بود که امام به قشرهای مختلف مردم که در پیروزی انقلاب سرمایه گذاری کرده بودند، جواب مناسب داده باشد و شکرگزاری به همین بود که کشور از نظر اداره و شئونات سیاسی و اجتماعی، در اختیار معتقدین به نظام باشد.

امام هم در کشف الاسرار و هم در کتاب ولایت فقیه - از اول تا آخر این کتاب ها - برنامه و تئوری نظام و حکومت اسلامی را براساس فقه و براساس اجتهاد تبیین می کنند. ایشان می فرمایند، این رسالت ما بود که تا اینجا اهداف حکومت و راه های عملی و فقاہتی حکومت را تبیین کردیم و حالا بر نسل معاصر و آیندگان است که راه عملی و اجرایی این برنامه ها را هموار کنند. در هر دو

موجودیت نهادها و ارگان های انقلاب اسلامی و حمایت آنها از سوی امام، یک سلسله تنش ها و حوادثی را در برداشت. دشمنان نهادها و انقلاب اسلامی، این حرکت را به معنای حذف نیروهای دیگر و بی اعتنائی نسبت به دستگاه های دولتی و گذشته می پنداشتند و از این رهگذر، مدت ها جو تهمت و برجسب بر علیه نظام و حکومت بالا بود. در کنار این مسأله دست های پنهان و آشکاری هم این موضوع را مطرح می کردند که چه ضرورتی دارد که کشور در حال انقلاب که می خواهد سرمایه ها و بودجه های خودش را در مسیر سالم مصرف کند، تشکیلات موازی داشته باشد. شاید هنوز هم به این اوضاع و شرایط دامن زده می شود و گروهی در نهان و آشکار این مسأله را مطرح می کنند و برای حذف کردن یا کنار زدن بعضی از نهادهای مقدس، به همین بهانه ها متمسک می شوند که برای یک کاسه کردن برنامه ها برنامه ها، ما باید به سمت حذف بعضی از نهادها حرکت کنیم؛ در حالی که اگر فلسفه وجودی نهادها برای ما روشن بشود، ما می بینیم فلسفه بقای آنها هم جز همان علت های موجد چیز دیگری نیست. اگر انقلاب اسلامی در برهه ای از زمان نیاز به تشکیل نهادها و ارگان های مقدس انقلاب داشته است، برای ادامه راهش و مسیر آینده و برنامه هایش هم جز تقویت و تکمیل آنها راه دیگری ندارد.

حال ببینیم، چرا امام این همه نهادها را

سرنوشت‌سازی را به عنوان قوانین مدون و خلل‌ناپذیر، چه از رهگذر شورای انقلاب و چه از رهگذر مجلس خبرگان و چه از ترکیب عناصر قانون‌گذاری یا چهره‌ها و نهادهای دیگری که نقش حساسی در مسایل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی و انتظامی داشتند، می‌گرفتند. وقتی گفته می‌شود که ما آثار امام و اهداف و اندیشه‌های علمی و تئوری ایشان را قبل



از پیروزی انقلاب باید ببینیم، بعضی تصورشان بر این بوده است که حضرت امام (رضوان...) تعالی علیه) اصلاً هدفی برای تشکیل نهادها نداشتند و از روز اول پیروزی انقلاب، مترصد حوادث و مسایل انقلاب بودند که ببینند، اگر روزی ضرورتی ایجاب کرد یا سنگ‌اندازی و کارشکنی علیه نظام انجام شد، گروهی را در مقابل ضد انقلاب یا در مقابل توطئه‌گران تربیت بکنند و تعلیم بدهند و به آنها نقش موقت بدهند و بعد از انجام کار به آنها بگویند، شما کارتان تمام شد. در حالی که مبانی علمی و تئوری و فقه‌ای و استنباطی امام در گذشته‌ها و حتی قبل از پانزده خرداد نشان می‌دهد که امام درصدد تحقق کلیه نهادها و ارگان‌های مقدس انقلاب اسلامی بودند، اما مشروط به فراهم شدن زمینه‌ها و شرایط لازم که در درجه اول، تشکیل حکومت اسلامی بود. اگر روزی در آغاز پیروزی انقلاب از حضرت امام سوال می‌شد که آیا شما در آینده ده سال حکومت و زندگی در نظام اسلامی چه می‌خواهید بکنید و چه برنامه‌هایی برای سازندگی کشور و حفظ روحیه انقلابی کشور دارید، امام تأکید می‌کردند که ما می‌خواهیم کارهای اساسی و کلیدی جامعه را به دست کسانی بدهیم که متعهد هستند، به انقلاب وفادار هستند، به ارزشهای فقاہت اعتماد دارند و در خط راستین اسلام و

انقلاب هستند. اگر امام این کار و این حرکت را نمی‌کردند، شما مطمئن باشید، بعد از ده سال از انقلاب، قضاوت دنیا و دنیاداران و دشمنان ما علیه ما غیر از قضاوت امروز بود. آنها می‌گفتند، اینجا در مقطعی از تاریخ خودشان انقلاب کردند و به‌خاطر استفاده از حساسیت و احساسات مردم، حکومتی را سرنگون کردند اما در اداره کشورشان، دستشان به طرف همان دولتمردان و همان تشکیلات گذشته بود و آنها بودند که توانستند، اینها را قوام بدهند و روی پای خودشان نگه دارند. در حالی که امام با حرکتشان، کارایی فقه عملی اسلام، فقه بویا، فقه جواهری و فقه سنتی را که در گذشته به شکل تئوری مطرح بود و جایی در سازندگی و اداره شئون مختلف نظام کشور نداشت نشان دادند. در نتیجه حرکت امام است که ما توانسته‌ایم، در شهرها و روستاها و در اقصی نقاط این کشور سرمایه‌گذاری کنیم و برای مردم در مسیر مادی و اقتصادی برنامه‌ریزی کنیم تا مردم از مزایا و امکانات طبیعی بهره‌مند شوند و از امکانات الهی تا اندازه توان استفاده کنند. از آب، برق، تلفن، جاده، ارتباطات و تبلیغات.

● ضرورت تبلیغات

همه آنها نتیجه یک جهاد همگانی است که امام این را در شعبه‌های مختلف تقسیم‌بندی کردند و به عهده نیروهای انقلاب گذاشتند که ثمره آن را امروز بعد از ده سال از پیروزی انقلاب می‌توانیم به شکل آمار و عملکردهای مطرح کنیم که از دید دشمنان ما هم، کار خارق‌العاده‌ای است. دشمنان ما می‌بینند که مملکت ما در اوج جنگ و محاصره و طوفان‌های ضد انقلاب و استکبار جهانی توانسته است، این همه خدمات عرضه کند. من مطمئن هستم که نهادهای انقلاب اسلامی ما، به‌خاطر تقوایی که دارند نمی‌خواهند از مرز اعتدال خارج شده، از تبلیغات استفاده کنند و بیش از خدمات ارائه شده، چیزی به مردم بگویند که واقعیت و عینیتی نداشته باشد. حضرت امام (رضوان...) تعالی علیه) در طول دوران ارتباطشان با مسئولین نهادها، می‌فرمودند شما تصور نکنید، ارائه خدمات و کارهایی که برای مردم کردید به‌حساب خودنمایی مطرح خواهد شد یا از این‌ها به‌عنوان تبلیغات خاص استفاده می‌شود. شما کارهایی که برای مردم کردید بگویید. برای مردم بگویید که چقدر برای محرومین خانه‌سازی شد، چقدر جاده‌ها کشیدند. نظامی که در گذشته و قبل از پیروزی انقلاب، به همه قطب‌های قدرت وابسته بود، همه مستشاران

خارجی به آن کمک می‌کردند، همه نقشه‌ها و طرح‌ها را در اختیار داشت. از همه شیوه‌های مدرن می‌توانستند استفاده کنند، تکنولوژی در اختیارش بود، وسائل و ابزار اولیه و ماشین‌آلات داشته و هیچ محدودیتی نداشته و بعد از ۵۰ سال حکومت، می‌بینیم هنوز این‌ها به بعضی از دهات این کشور پا نگذاشته بودند که برای مردم آنجا شناسنامه درست کنند یا برای مردم آنجا اولین مقدمات کار و زندگی را فراهم کنند.

الآن جهاد سازندگی ما آمار روستاهایی را که اینها اصلاً در فرهنگ شناسایی و شناسنامه کشور ما نبودند دارند. اصلاً کسی مطلع نبوده که این‌ها در این کشور زندگی می‌کردند. خوب این راه‌ها را چه کسی هموار کرد؟ این مشکلات و این موانع را چه کسی برداشت؟ همان نیروهای مومن به انقلاب که در شقوق مختلف فعالیت و کار کردند؛ آنجا که لازم بود تحقیق کنند و بعد تحقیقات علمی را بالا ببرند، بالا بردند. نتیجه و محصول آن حرکت‌ها این است که ما امروز در این کشور هستیم؛ یک کشور مستقل، کشوری که می‌توانیم ادعا کنیم که ما در اصول و مبانیمان و در ارزشهای علمی و عملی و تجربیمان، در مسایل نظامی و انتظامیمان، و در مسائل قضائیمان یک ملت مستقل هستیم. ملتی هستیم که روی پای خود ایستاده‌ایم و به خودمان تکیه می‌کنیم.

● صدور انقلاب

البته به این مقدار هم نباید اکتفا کنیم. امام در سال‌ها و روزهای آخر عمر تقریباً از سردرد و مقداری از سرگله به ما این مسائل را فرمودند و یک سلسله موارد مجوری و کلیدی را مطرح کردند و به سرعت از روی آنها گذشتند و آنها را برای برنامه‌های آینده به ما ارائه کردند.

وقتی امام می‌فرمایند، فقه، فلسفه عملی حکومت اسلامی است، پس نهادهای مقدسی که از دیروز تا امروز نقش‌های سازنده‌ای داشتند، برای اجرای فلسفه عملی اسلام در همه زمینه‌ها، باید تلاش کنند. اگر دیروز کشور ما به یک نیرو و نهاد انقلابی احتیاج داشت که برای مردم جاده بسازد، تشکیلات انتظامی و امنیتی دایر کند، خانه بسازد و برای کشور ما قوانین وضع کند، همان نیرو، امروز به شکل دیگر و با قدرتی قوی‌تر و بهتر باید راه‌های دیگری را هموار کند و نیازهای جامعه اسلامی را برطرف کند یا نیاز بین‌المللی را برطرف کند. وقتی امام صحبت از صدور انقلاب و صادر کردن ارزش‌ها به جهان می‌کنند، دیگر لازم نیست که جهاد سازندگی در این کشور بگوید،

من رسالتم را برای سرعت بخشیدن و تحرك در این کشور، در برهه‌های انجام دادم و پرونده کار من بسته شد. باید برود و در کشورها مطالعه کند، در جهان سوم مطالعه کند، خواسته‌ها و نیازهای جامعه اسلامی را بررسی کند و روی آنها سرمایه‌گذاری کند. لااقل اگر میدان عملی و اجرایی ندارد، تئوری بدهد، بحث کند و به آنها مقدمات و تحقیقات و خدمات ارائه دهد و همچنین سایر ارگان‌ها می‌توانند از این فضاهای مناسبی که امروز در دنیا ایجاد شده، بهترین استفاده‌ها را ببرند.

ما بعد از ده سال از پیروزی انقلاب در ارتباط با شرایط خومان که در داخل کشور با آن مواجه هستیم و شرایط بین‌المللی که دنیای اسلام با آن مواجه است، باید مانند ده سال قبل فکر کنیم. باید فکر کنیم که دنیا در آستانه تحول است. امواج دگرگونی‌ها در دنیا لااقل این احتمال را برای ما پیش می‌آورد که چه‌بسا در پنج یا ده سال دیگر، دهها کشور اسلامی بیایند از ما تقاضای طرح، برنامه، تربیت نیرو و متخصص کنند و از نهادهای انقلاب اسلامی دعوت کنند. سرمایه‌گذاری کنند و بگویند شما بیایید نتایج تجربیات ملی و اسلامی و انقلابی‌تان را به دنیا عرضه کنید. اگر روزی دنیا به ما بگوید، شما بیایید، برنامه عملی به ما نشان دهید، دیگر نمی‌توانیم با دنیا به صورت تئوری برخورد کنیم و بگوئیم حکومت اسلامی ایران و نظام ما فقط می‌تواند برنامه‌های نظری و علمی بدهد. آن روز دیگر از ما دنیا متوقع است که اگر امروز دنیای استکبار طرح و الگو می‌دهد و وقتی می‌کند یک ماشین را به کشوری صادر کند یا وقتی می‌خواهد تکنولوژی را به جهان سوم بدهد، اول ماکتس را به آنها می‌دهد، طرح‌ها را می‌دهد، توجیه می‌کند، مغزها را روی توجیهات علمی می‌شوید و جذب می‌کند، ما باید در دنیای آینده، چنین برنامه‌هایی ارائه کنیم.

یکی از دوستان ما در یکی از مسافرت‌هایی که اخیراً به بعضی از کشورهای آفریقایی داشت می‌گفت، رئیس‌جمهور این کشور به من مخفیانه گفت، این مسائل را شما علنی مطرح نکنید، ما به شما تعهد می‌دهیم، شما بیایید به جای آمریکا و انگلیس که می‌آیند مواد اولیه کشورهای ما را غارت می‌کنند و چیزی به ما نمی‌دهند، این مواد را استخراج کنید و حتی به نفع کارخانه‌ها و صنایع که در جهت اهداف نسانی حرکت می‌کند و لااقل برای آزادی مردم حرکت می‌کنند. این نیاز موجود است و ما باید جوابگو باشیم. فقه باید جوابگوی فلسفه عملی حکومت باشد. ما

به دنیا ارائه الگو باید بدهیم؛ از صنعتان، هنرمان، نظامان، نیروی مسلحان، قانونمان، قوه قضائیمان و از همه اینها باید الگو نشان بدهیم. تا دنیا اصلاً تردیدی راجع به اداره حکومت به وسیله اسلام و انبیاء و مکتب و اداره آنها توسط مردم نداشته باشد.

وقتی ما در دنیا موفق خواهیم شد که اولاً در بعد سازندگی، این کشور را نمونه کنیم و در بعد انقلابی و تعهد این کشور نمونه باشد. دنیا بداند که صنعتگر، مخترع، قاضی، وکیل، وزیر ما و نهادهای انقلابی ما و ادارات ما عاشقان خدمت و وارثان ارزشهایی انسانی هستند. امام در یکی از پیام‌هایشان فرمودند، پاسدارها، کمیته‌ها، نیروهای دیگر، وزراء و مسئولین بدانند، میادا از خون شهدا و از این حرکت مقدسی که نهادها انجام دادند و این عزت و اعتبار را با خون خودشان بنیان گذاشتند، به نفع اهداف شخصی استفاده نکنند. دنیا اولاً باید در کشور ما درک کند و واقعاً تا رسیدن به آن نقطه اوجی که بگوئیم این کشور از همه جوانب و زمین‌ها و ابعاد و ویژگی‌ها الگوست، راه طولانی داریم. شاید تصور کنید میدان سازندگی و نفوذ در مجامع علمی به‌همین

نهادهای باشیم. خدای ناکرده برنامه‌ها و سرمایه‌ها و بودجه‌ها صرف خنثی کردن یکدیگر نشود. برای ارتباط بیشتر نهادها باید روابط عمومی قوی و روابط بین‌المللی قوی به نام نهادهای انقلاب اسلامی دایر شود. الآن در یازدهمین سالگرد پیروزی انقلاب، این کنگره به‌عنوان دستاورد نهادهای انقلاب اسلامی و الگوی اولیه حرکت‌های اجرایی و حکومت، متنی تهیه کند و به دنیا ارائه دهد. از همین فرصت که مارکسیسم شکسته شده، اروپا و غرب آشفته شده، و از همین فرصتی که حتی آمریکا را دچار آشفتگی می‌کند، شما سریع بیایید و به دنیا الگو عرضه کنید.

اگر شما ناتوانی دارید و دنیا در آینده مسلماً به شما کمک نخواهد کرد، بیایید الگوی برنامه‌ها، نهادها، قوانین، قضای ما و برنامه‌های اجرایی ما را بگیرید. همین که اصلاً شما مطرح کنید، الگو و تز بدهید و برنامه‌هایی که برای دنیا نشان دهنده خط عملی حکومت اسلامی باشد ارائه کنید، مفید است. لااقل این بحث‌ها در دنیا مطرح می‌شود که اگر می‌خواهند با کسی قرارداد ببندند یا از سرمایه‌های يك کشور استفاده کنند، اولین گام و آخرین گام به طرف آمریکا نمی‌روند، اولین گام

● اگر فلسفه وجودی نهادها برای ما روشن شود، می‌بینیم فلسفه بقای آنها، جز همان علت‌های موجد چیز دیگری نیست. اگر انقلاب اسلامی در برهه‌ای از زمان، نیاز به تشکیل نهادها و ارگان‌های مقدس انقلاب داشته است، برای ادامه راهش و برای مسیر آینده و برنامه‌هایش هم جز تقویت و تکمیل آنها راه دیگری ندارد.

● مبانی علمی و تئوری و فقه‌ای و استنباطی امام در گذشته‌ها و حتی قبل از بانزده خرداد نشان می‌دهد که امام در صدد تحقق کلیه نهادها و ارگان‌های مقدس انقلاب اسلامی بودند، اما مشروط به فراهم شدن زمینه‌ها و شرایط لازم که در درجه اول، تشکیل حکومت اسلامی بود.

به آمریکا نمی‌گوید که آنها هستند. که تعیین‌کننده همه سیاست‌های اقتصادی صنعتی و تکنولوژی در دنیا هستند. برای ما يك فابلی و يك بخشی از ارزش‌ها را باز می‌کنند.

شما در چهار کشور اسلامی مانند کشور خودتان سرمایه‌گذاری کنید و در سازندگی، جنبه‌های اخلاقی و هنری الگو و نمونه ارائه کنید، دنیا و جهان سوم، فردا به عنوان قوی‌ترین پشتیبان شما در همه زمینه‌ها خواهد شد.

وقتی فلسفه وجودی نهادهای انقلاب، دادن

مقداری است که ما امروز دلمان را به آن خوش کرده‌ایم. اما هنوز برای اجرای برنامه‌های صحیح در داخل کشور در آغاز راهیم و مهم‌تر از همه این که دنیا انتظار دارد که محصول و ثمرات کارها و برنامه‌ها را به دنیا ارائه دهیم.

● ضرورت تشکل

یکی از پیشنهادهایی که من به این کنگره می‌کنم، این است که در فکر متشکل کردن این

امکانات کشور به دست متعهدین و ارائه حکومت عملی اسلام است. فلسفه بقای آنها هم همین است. کسی نباید تردید کند که نهادها باید تا روزی که ما به اوج اقتدار و پیروزی رسیده‌ایم پابرجا باشد و محکم باشند. این ملت خون داده، مبارزه کرده و این جوانان پشت نظام شاهنشاهی را شکسته‌اند و این اقشار مختلف بازار و دانشگاه و کارگر و کارخانه و همه زمینه‌ها و همه حوزه‌ها، در مقابل ابرقدرت‌ها ایستاده‌اند و فرزندان‌شان به جبهه‌ها رفته‌اند و اینها سرمایه‌های اصلی انقلاب هستند.

● تقویت نهادها

امروز هم سیاست نظام ما و رهبری معظم نظام ماست که نهادهای انقلاب اسلامی تقویت شود. البته خدای ناکرده نتیجه‌گیری این صحبت‌ها این نیست که امروز وزارتخانه‌ها، ادارات و سایر ارگان‌ها و تشکیلاتی که در خدمت نظام مقدس اسلامی هستند، بیگانه از ما باشند یا خدای ناکرده کسی درصدد تخفیف آنها برآید. وقتی که

را تشویق می‌کند و در قرآن کریم می‌فرماید: «فاستبقوا الخیرات» یعنی به سوی خیر و خوبی‌ها سبقت بگیرید. اصلاً در جامعه باید میدان عرضه هنر و کار و خدمات طوری باز شود که هزارگانی در مقابل ارگان دیگری احساس رقابت سالم برای ارائه برنامه سالم کند.

شما در هیچ جای دنیا- شرقی و غربی- دو نیروی مسلح در یک کشور ندارید. اوج اعتراض و انتقاد دشمنان و مخالفین ما می‌تواند، این باشد که شما می‌خواهید نظام کشوری را اداره کنید که در آن کشور دو نیروی مسلح- چه در بعد نظامی و چه در بعد انتظامی- وجود دارد. در حالی که همین حرکت، یعنی نظری گذرا و اجمالی به پرونده نیروهای نظامی و انتظامی کشور، چه چیزی را ثابت می‌کند؟ اگر سپاه واقعاً در کشور نبود، اگر کمیته انقلاب اسلامی در کشور نبود، اگر بسیج در کشور نبود، چه می‌شد؟ هیچ کس نمی‌تواند بگوید و خدای ناکرده نباید تصور کند که نیروی نظامی و انتظامی گذشته، وفادار به انقلاب نبودند و این از حرف‌های خائنانه‌ای است که اگر کسی بگوید، مسلماً در پیشگاه خدا

● حضرت امام در طول دوران ارتباطشان با مسئولین

نهادهای، می‌فرمودند شما تصور نکنید، ارائه خدمات و کارهایی که برای مردم کردید، به حساب خودنمایی مطرح خواهد شد، یا از این‌ها به عنوان تبلیغات خاص استفاده می‌شود.

● ما باید به فکر متشکل کردن نهادها باشیم و خدای ناکرده برنامه‌ها و سرمایه‌ها و بودجه‌ها صرف خنثی کردن یکدیگر نشود. برای ارتباط بیشتر بین نهادها، باید روابط عمومی قوی و روابط بین‌المللی قوی به نام نهادهای انقلاب اسلامی دایر شود.

و خلق مؤاخذه می‌شود و برخلاف راه امام است. آیا واقعاً با نیروی نظامی و انتظامی که پاشیده و از هم متلاشی شده بود، با آن تشکیلات، چهارچوب و الگوهای که موظف به اجرای آن بود؛ در مقابل این امواج طوفان‌هایی که در این کشور، ضد انقلاب برپا کرد یا دانشگاهی که سنگر ضد انقلاب شده بود و مسلسل‌ها بر بالای پشت‌بام‌ها کار گذاشته شده بود و خیابان‌ها مملو از آتش و انفجار بود، چه کسی می‌توانست مقاومت کند؟ امام می‌دانست، نظام شاهنشاهی یک نظام صد درصد وابسته است. آمریکا و شوروی و انگلیس هر موقمی که خواستند، هر مسأله امنیتی را محکم

حکومت اسلامی شد و ما دولت اسلامی تشکیل دادیم. و امام رسماً این حکومت را اسلامی اعلام کرد، وزارتخانه‌ها هم با دید وزارت اسلامی ارزیابی شدند، آنها هم امروز در کشور ما و در جامعه ما نقش دارند و در آینده هم باید به آنها تکیه کنیم اما هیچ منافاتی ندارد که در نظام مقدس اسلامی ما با این همه کار و بار و مسئولیت‌های سنگین، نهادها را برای انجام رسالت‌هایی که جامعه بشری به آنها نیاز دارد تقویت کنیم. یکی از محسناتی که امام برای تشکیل نهادها در نظر گرفتند، ایجاد رقابت سالم و زمینه‌های رقابت سالم در جامعه است. خداوند روحیه رقابت سالم

کنند، محکم می‌کنند؛ هر موقمی که خواستند باز می‌کنند؛ هر موقمی که خواستند در این کشور قاچاق زیاد باشد خودشان قاچاق‌فروشی می‌کنند؛ خودشان برای مردم برنامه می‌ریزند و مردم را تشویق می‌کنند. اصلاً کشور و نظام و ارتش ما، شهربانی و ژاندارمری ما، چیزی نبود که در گذشته بگوید من دارم از موجودیت این کشور و موجودیت ملت ایران دفاع می‌کنم. اما می‌دید که آن نظام و تشکیلات با آن چهارچوب، در فرای انقلاب با کل کارشکنی‌ها و توطئه‌های جهانخواران در داخل و خارج از شرق، غرب، اروپا، شوروی، انگلیس، فرانسه، ارتجاع عرب- مواجه می‌شود و همه اینها در مقابل صف‌آرایی می‌کنند، لذا کمیته انقلاب اسلامی را تقویت می‌کند و می‌گوید اینها فرزندان من هستند؛ سپاه را تقویت می‌کند و می‌فرماید اگر سپاه نبود کشور هم نبود؛ بسیج را تقویت می‌کند و به آنها عشق می‌ورزد؛ جهاد را تقویت می‌کند و به آنها عشق می‌ورزد و می‌فرماید اینها فرزندان انقلابند. چرا؟ برای این که رسالت انقلاب را خیلی وسیع‌تر از رسالت کشورداری و حکومت‌داری و رسیدن به یک روال و منوال روزمره و درجا و ساکن می‌دانست.

انقلاب یعنی بویایی، حرکت و شتاب، انقلاب انبیاء یعنی شتاب از نقطه آغازین تا نقطه‌ای که انسان به توان مطلق برسد و هر نیرویی در جایگاه خودش و در تشکیلات خودش باید به آن نقطه نهایی فکر کند که چقدر هنوز راه داریم و باید خودمان را به جلو بکشیم تا انقلاب را تقویت کنیم و راستی اگر روزی در داخل کشور ما، همه موج‌ها و طوفان‌ها مهار شد و کشور ما از نظر هويت جغرافیایی کشور آزادی شد، فرض کنیم، کشوری که همسایه ماست- یک کشور ۲۰۰ میلیونی یا ۳۰۰ میلیونی مثل پاکستان- گفت، ما در جوار شما هستیم و می‌خواهیم از امکانات و تجربیات شما در تمام زمینه‌های موجود استفاده کنیم، شما چکار می‌کنید؟

ما نمی‌خواهیم لشگرکشی کنیم به عنوان جهاد ابتدایی و بگوئیم دنیا را تسخیر می‌کنیم اما اینجا یک ارتش ۲۰ میلیونی تشکیل دادیم و پایگاه حزب... را در اینجا قوی کردیم. اگر با یک ارتش قدرتمند راه می‌افتادیم و می‌گفتیم چنانچه آمریکا در تک‌تک کشورهای آسیایی پایش را بگذارد ما آنجا جنگ مسلحانه می‌کنیم، اگر امام بودند، می‌فرمودند این کار خلاف شرع است؟ نکنید! امامی که می‌فرمایند، ما به فکر ایجاد تعادل قوا در دنیا به نفع مسلمانان هستیم، با چه و که این را می‌گویند؟ با همین نهادهای انقلاب و برنامه‌ها و

با همین طرحها زیرا لاقلا ما باید قطب سوم دنیا شویم.

امروز دنیا دارد به طرف قطب بندی های مفصل می رود. اروپا ممکن است يك قطب شود و آمریکا و شوروی هرکدام يك قطب است. اگر این کشورهای کوچک را تقسیم کنند، چه اشکالی دارد که ما همین الآن در شروع حرکتها به طرف اسلام بزرگ و آن حکومت بزرگ جهانی برویم. ارتش ۲۰ میلیونی که مال مرزهای کشور ما نیست. اصلاً در تحلیل نظامی نمی گنجد که شما بگویید ما ۵۰ میلیون جمعیت داریم و فقط از مرزهای جغرافیایی خودمان می خواهیم با ۲۰ میلیون نفر دفاع بکنیم. بیست میلیون نفر از نظر تحلیل نظامی یعنی افزون بر نیرویی که می تواند سلاح بگیرد؛ افزون بر نیرویی که می تواند تنها و تنها با تکنیک و با آموزش های نظامی بجنگد.

ارتش ۲۰ میلیونی و ارتش بزرگ اسلامی برای رسالت های دیگر است. بنیادهای دیگر هم برای حرکت های دیگر است. ما باید در فکر ایجاد حکومت اسلامی باشیم و نیرو تربیت کنیم. البته ممکن است روزی هم حاکمیت نظام ما و رهبری معظم انقلاب اسلامی، ترجیح دهد، نهادی را با خصوصیات خاص دیگری تقویت کند و تأیید کند. آن بحثی است که همه جامعه و آحاد مردم ما در شرایط سازندگی می پذیرند، اما جهت گیری برای حفظ نهادهای انقلاب اسلامی جز در بازگشت به فلسفه وجودی آنها و فلسفه اولیه آنها نیست. لذا اول شکرگزاری از مردم، دوم ارائه الگو و نمونه که دنیا نکوید که اینها همه شعار دادند، باید انجام بگیرد.

● انقلاب انبیاء

برای بیرون راندن مردم از صحنه، پیش از انقلاب، چهار حرف در دنیا مطرح بود. اول این که دین و مذهب و ایمان و انبیاء رفته اند در موزه ها و دنیا، دنیای علم است. دوم این که اگر انبیاء و اسلام و قرآن و مسیح و ابراهیم و موسی و مکتب انبیاء حق است، در این دوره کسی مفسر آنها نیست و کسی نمی تواند اسلام و قرآن را تفسیر کند. سوم اگر اسلام هم تفسیر بشود، الگوی عملی و اجرایی نیست و چهارم اگر الگوی اجرایی هم باشد، الگوی جامع را هم نداریم که بگوییم این می تواند مثل علی (ع) باشد و این حکومت، حکومت علی است یا این کشور همان مدینه پیغمبر و همان حکومت امیرالمؤمنین است. انقلاب چه کرد؟ انقلاب گفت، انبیا و مکتبها بزرگترین و بالاترین نقش را در سرنوشت بشر در

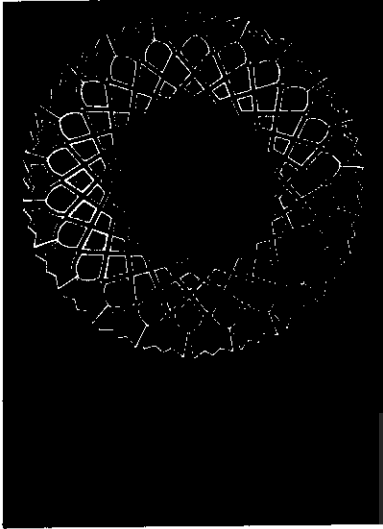
گذشته و امروز دارند و لذا وقتی مرزهای کشور شوروی شکسته می شود، مردمی که در يك کشور متمدن صنعتی با تکنولوژی فوق مدرن زندگی می کردند، فریاد می زنند و سینه هایشان را در مقابل تانک ها و گلوله ها بسیج می کنند تا بگویند، راهی که مارکس رفت و کاپیتالیسم و سوسیالیسم رفت راهی بود که ما را به بیراهه و جهنم کشانده و ما می خواهیم به راه انبیاء برویم. آنها می گویند، قرآن به ما بدهید، بگویید انبیاء چه گفته اند، بگویید راه امام نمی تواند جوابگو باشد. اسلام برای همه نیازهای بشریت جواب دارد و در هنر، موسیقی، دخالت زنها در جامعه، کارهای علمی و صنعتی فتوی هست در هر مسأله ای ما نمی مانیم زیرا فقه و اجتهاد زمین نمانده و چیزی هم خارج از «قال الصادق» و «قال الباقر» نمی گوئیم. برای تمام مسائل و شئون زندگی بشریت امروز با «قال الصادق»، «قال الباقر» و «قال ... تعالی» برنامه زندگی و عملی ارائه می کنیم.

این همان چیزی است که امام اسمش را اسلام ناب گذاشت، همان چیزی که مقدسان و متحجران می گفتند نمی شود؛ همان چیزی که روشنفکران می گفتند، روحانیت اگر هنری داشته باشد فقط می تواند در دنیای مدرنیته امروز و دنیای صنعتی بگوید، ای جوان! اگر میلت کشید، اگر خواستی و اگر به قیامت اعتقاد داشتی - که آن اعتقاد را هم من برایت تفسیر نمی کنم و يك چیز عقلی است و تقلیدی نیست - اگر خواستی نماز صبح بخوانی، آب ظاهر بردار و از بالا بریز به پایین تا وضو بگیری و صورت را این طور بشوی و بعداً رو به قبله بایست ...

امام فرمود، این تفسیر، تفسیر اسلام آمریکایی است. روزی که حکومت اسلامی ولایت فقیه و کشف الاسرار را می نوشت، فرمود که اگر حکومت به دست صالحان افتاد، ما برای همه مسائل مردم برنامه داریم.

یازده سال از انقلاب ما می گذرد. لیبرالها، چپ گراها و راست گراها تصفیه شدند. به آنها بگویید، شما در کشور چه نقشی داشتید؟ خیلی بتوانند ادعا کنند، می گویند ما در صفوف تظاهرات بودیم، زندان رفتیم و چنین و چنان کردیم؛ شکنجه شدیم که همانها هم دروغ است. اما بعد از انقلاب، امام حکومت را ساخت. امام کشور را طوری روی ریل احکام اسلام انداخت که وقتی خواست از دنیا برود، گفت ای دنیا متوجه باشید که با رفتن يك خدمتگزار - به این مضمون - این کشور و این انقلاب صدمه نمی خورد، چون احکام، قوانین و مقررات اسلام در کشور جاری بود.

چقدر نکته زیبایی است! یعنی کسی تصور نکند که امام، منهای اسلام، منهای فقاقت و اجتهاد و حوزه توانست انقلاب را ده سال اداره کند. امام به عنوان يك رهبر، مشعلها و احکام اسلام را نشان داد. به قوه قضائیه، قوه اجرایی، نیروی مسلح و به همه میدان های سیاسی - اجتماعی مردم رهنمود داد. بعداً فرمود با رفتن يك



خدمتگزار چیزی واقع نمی شود. ما الگو داریم، دولت داریم، حکومت داریم، رهبر داریم، البته هیچکس مدعی آن نیست که ما صد درصد اسلامی عمل می کنیم یا هیچ اشکالی در کارمان نیست. آخرین نکته ای که امام ثابت کرد، این بود که ایشان با عمل خودشان ثابت کردند که در قرن اتم و رفتن به کهکشانها، در قرن دجال علم، در قرنی که دنیا دارد با تکنولوژی به همه هستی بشریت دست اندازی می کند و ملت ها را غارت می کند، ما می توانیم يك الگو ارائه دهیم که وقتی مردم می گویند امیرالمؤمنین، هزار و چهارصد سال پیش زندگی می کرد، زندگیش عارفانه و عالمانه بود، زندگی اش در راه خدا بود، جهادی بود، اقتصادی بود، علمی وارسته بود، علمی مرد میدان شهادت بود، علمی مرد میدان سیاست بود، يك الگوی دیگر هم ارائه می شود و آن هم خود امام است. هشتاد و هشت سال زندگی می کند و پرونده امام را اگر دو هزار سال دیگر، اگر صدها قرن دیگر بردارند، بازکنند و بخوانند، می بینند همان زیبایی ها، لطافتها، معارف بلند، ارزشها، هنرها، همان عرفانها، اخلاصها در این انسان ظاهر شده است. چرا؟ برای این که به من ز شما و همه بشریت بگوید، بشریت در هر روزی می تواند، الگوی جامع و کاملی از پرورش اسلام داشته باشد.